

مفهوم انقلاب از دیدگاه استاد مطهری



چکیده:

شهید مطهری معتقد است انقلاب، طغیان و عصیان مردم علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع مطلوب است. وی به انقلاب فردی و اجتماعی که در هر دو جهتی الهی لحاظ شده، معتقد است؛ وی از این دو با عناوین «توبه» و «انقلاب تکامل» یاد می‌کند. مطهری اصلاح را تغییری در چهارچوب سیستم سیاسی می‌داند و کودتا را تغییری در ساختار سیستم بدون دخالت مردم؛ به همین دلیل وی تعداد انقلاب‌های جهان را اندک می‌داند و انقلاب منحصر به فرد ملت ایران را به انقلاب صدر اسلام تشبیه می‌کند. انقلابی بر اساس مذهب و آموزه‌های مذهب، آموزه‌هایی چون جهاد و امر به معروف و نهی از منکر؛ دین وضع مطلوب را ترسیم می‌کند و این عناصر دین، در واقع آموزه‌های اعتراض، عصیان، اصلاح و انقلاب را.

مقدمه

انقلاب از واژه‌هایی است که در فقه، فلسفه و علوم سیاسی کاربرد دارد. ما در اینجا به مفهوم این واژه در علوم سیاسی اشاره خواهیم کرد، تا کنون حجم انبوهی از تعاریف این واژه فراهم آمده است، در اینجا بدون اشاره به این تعاریف متعدد و گوناگون این واژه از منظر استاد مطهری واکاوی می‌شود.

مفهوم انقلاب

انقلاب از مقوله عصیان، انکار، اعتراض، طغیان، تغییر و دگرگونی است. استاد مطهری در تعریف این واژه می‌گوید: انقلاب چندان احتیاج به تعریف ندارد، می‌فرماید: «انقلاب عبارت است از طغیان و عصیانی که مردمی علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام می‌دهند.» [1]

انواع انقلاب

وی انقلاب را منحصر در انقلاب سیاسی و اجتماعی نمی‌داند، بلکه علاوه بر حوزه اجتماعی در حوزه فردی هم انقلاب را جاری می‌داند و معتقد است انقلاب یا فردی است یا اجتماعی. یعنی یا فرد انقلاب می‌کند و یا جامعه. انقلاب فردی یا حیوانی است و یا انسانی. [2]

از این سخن استاد مطهری اینگونه برداشت می‌شود که وی توبه را انقلابی فردی می‌داند که می‌تواند انسانی و الهی باشد و می‌تواند حیوانی و غیر الهی باشد؛ لذا باید ما بتوانیم در عرصه سیاست و اجتماع هم از دو انقلاب الهی و غیر الهی سخن بگوییم، به همین دلیل در ادامه استاد مطهری از «انقلاب تکامل» اسم می‌برد و انقلاب غیر الهی در عرصه فردی و اجتماعی را عصیان می‌داند، نه انقلاب: «اگر در تعریف انقلاب تکامل را داخل کنیم، انقلاب خشمی و جاهی انقلاب نیست، به علاوه جنبه انتخابی و ارادی ندارد ولی البته عصیان هست، عصیان عقده‌های مکتوم علیه نظم حاکم بر شعور ظاهر ... توحید اسلام، نفی و اثبات است، کفر به طاغوت و ایمان به الله است از این جهت که ایمان اسلامی يك ایمان انقلابی است، طغیان علیه نظم طاغوتی حاکم بر روح و بر جامعه برای برقراری نظم الهی بر روح و یا بر جامعه. صرف نارضائی و خشم برای انقلاب کافی نیست، روحیه تعرض و تهاجم و نفی و انکار لازم است اینجاست که نقش مکتب ظاهر می‌شود اسلام مشتمل بر عنصر شورش و تعرض است و آن عبارت است از فرمان جهاد و فرمان امر به معروف و نهی از منکر. [3]

ریشه‌های انقلاب

استاد مطهری علاوه بر اینکه مبدأ و مسیری الهی برای حرکت انسان و جامعه قائل است، و همین اعتقاد به توحید و به تبع اعتقاد به معاد را عامل اصلی انقلاب می‌داند، به نظر می‌رسد وی با توجه به تعریف انقلاب علاوه بر اعتقاد به اسلام، ریشه‌های «انقلاب» را سه چیز می‌داند:

1. نارضایتی و خشم از وضع موجود

2. عصیان، تهاجم و تعرض

3. در نظر داشتن یک آرمان و وضع مطلوب، به جای وضع موجود

مطهری شناخت یک انقلاب را هم معطوف به شناخت همین موارد می‌داند. حال این سؤال مطرح است که این عصیان، طغیان و شورش باید تا چه اندازه باشد که ما

بتوانیم آن را انقلاب بنامیم؟ برای اینکه پاسخ این پرسش روشن شود لازم است به تفاوت انقلاب، با مفهوم اصلاح و همچنین مفهوم کودتا اشاره شود.

انقلاب، اصلاح و کودتا

تغییراتی که در جامعه صورت می‌گیرد، چند صورت است؛ شهید مطهری درباره مفهوم اصلاح بر این باور است که اگر تغییر و دگرگونی که در اجتماع صورت می‌گیرد جزئی باشد و ساخت اصلی نظام سیاسی حاکم را متحول نکند، اصلاح نامیده می‌شود، و لذا مصلح هم فردی است که ساخت جامعه را دگرگون نمی‌کند، اما به وضع جامعه بهبود می‌بخشد. [4]

اما کودتا؛ انقلاب ماهیت مردمی دارد، ولی کودتا چنین نیست. در کودتا، يك اقلیت مسلح و مجهز به نیرو، در مقابل اقلیت دیگری که حاکم بر اکثریت جامعه است، قیام می‌کنند و وضع موجود را متحول می‌کنند و خود، جای گروه قبلی قرار می‌گیرند، آنچه اهمیت دارد این است که در کودتا اکثریت مردم از حساب خارج هستند و در فعل و انفعالات نقشی ندارند. [5]

انقلاب بی‌نظیر

استاد مطهری اذعان دارد بیشتر تحولاتی که در کشورهای جهان رخ داده یا کودتا بوده و یا اصلاح. وی تعداد انقلاب‌های دنیا را اندک می‌داند و انقلاب ایران را یک انقلاب واقعی که ماهیت انقلابی‌اش «خیلی بیشتر» از انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر روسیه است؛ معرفی می‌کند، چرا که در انقلاب اسلامی ایران مردمی با دست خالی و فقط با روحیه انقلابی علیه یک رژیم، قیام کردند و در قیام خود موفق شدند. او انقلاب صدر اسلام را به عنوان نظیری برای انقلاب اسلامی مردم ایران ذکر می‌کند. [6]

جمع‌بندی

مطهری معتقد است انقلاب، طغیان و عصیان مردم علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع مطلوب است. وی به انقلاب فردی و اجتماعی که در هر دو جهت الهی لحاظ شده، معتقد است؛ وی از این دو با عناوین «توبه» و «انقلاب تکامل» یاد می‌کند. مطهری اصلاح را تغییری در چهارچوب سیستم سیاسی می‌داند و کودتا را تغییری در ساختار سیستم بدون دخالت مردم؛ به همین دلیل وی تعداد انقلاب‌های جهان را اندک می‌داند و انقلاب ایران منحصر به فرد ملت ایران را به انقلاب پیامبر، در صدر اسلام تشبیه می‌کند. انقلابی بر اساس مذهب و آموزه‌های مذهب، آموزه‌هایی چون جهاد و امر به معروف و نهی از منکر؛ دین وضع مطلوب را ترسیم می‌کند و این عناصر دین، در واقع آموزه‌های اعتراض، عصیان، اصلاح و انقلاب را.

[1]. آینده انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، تهران: صدرا، 1387، ص 59.

[2]. پیرامون جمهوری اسلامی، مرتضی مطهری، چاپ چهارم، تهران: صدرا، 1367، ص 143. البته انقلاب اجتماعی هم ممکن است حیوانی باشد.

[3]. پیرامون جمهوری اسلامی، مرتضی مطهری، چاپ چهارم، تهران: صدرا، 1367، ص 144.

[4]. آینده انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، تهران: صدرا، 1387، ص 131. به نظر می‌رسد عنصری که در انقلاب و اصلاح مشترک است، جهت‌گیری الهی آن و به تعبیری حرکت به سمت خوبی می‌باشد.

[5]. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، چاپ نهم، تهران: صدرا، 1372، ص 29-30

[6]. آینده انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، تهران: صدرا، 1387، ص 119.

نویسنده: رضا لکزایی

سایت ابنا